

سفال تپه سیلک



تشریفات مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این ظروف سفالین با آرایشی زیبا در نواحی «حسنلو، املش و خروین»^{۱۳} (قرن ۹ تا ۸ پ. م)، جهت فدیه و انجام مراسم دعاخوانی و نذوراتی برای آب و مایع متبرک با مهارت استادانه‌ی هنرمند، ساخته شده است.

ظروف فلزی عهد ساسانیان دربرگیرنده‌ی آثار بی‌شمار و متمایزی است که نقش «آب» را با شیواترین بیان هنری نشان می‌دهد. مناظر شکار شاهانه، موجودات اساطیری، حیوانات کنار درخت مقدس از جمله مضامینی است که در تزیینات ظروف نقره‌ی ساسانی همراه با نمایش «آب» به شکل جویباری روان دیده می‌شود. امواج آب با خطوط منحنی ممتد در ترکیبی یکنواخت بر روی خط مستقیم با چند ماهی شناور و یا مرغابی آذین شده است.

نقش «آب» در هنر دوران اسلامی ایران بر روی سفالینه‌های باشکوه (قرون ۶ و ۷ هـ. ق) و دوران سلجوقیان ترسیم شده است. این نقش به شکل کاملاً تزیینی و با پیروی از سنت تصویری ساسانیان در ترکیب‌بندی خطی میان عوامل محدود چون نقش‌های گیاهی، جانوری و انسانی مشاهده می‌شود.

جویبار روان با لطافت زیبا در پایین صفحات ظروف سفالین عصر سلجوقی همانند ظروف نقره‌ی ساسانی با چند ماهی و اردک و در پاره‌ای از ظرف‌ها با نقش آدمی در میان امواج آب، به تصویر درآمده است. عوامل انسانی، حیوانی و نباتی بر لبه‌ی آب با مضامینی چون داستان‌های شاهنامه، مراسم آیینی و مذهبی و صحنه‌های شکار، متناسب با دیگر عناصر تصویری ظروف سفالین، طرح گردیده است.

نشستن سلاطین بر تخت (موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت، لندن ۶۲۴ هـ. ق ۱۲۲۷ م) نمایش زن و مردی در طرفین درخت مقدس (گالری فریر، قرن ۶ یا ۷ هـ. ق) با شاخ و برگ و چند گیاه تزیینی بر لبه‌ی جویبار روان، نمایی از بهشت راه به بیننده اثر القاء می‌کند و در اغلب ظروف این عصر مشاهده می‌شود. تصویر «آب» در بعضی از آثار سفالینه با حرکات مدور شبیه به نوعی اسلیمی نمایان شده است. استمرار این سبک در ظروف سفالین عصر صفویه نیز، مشهود است.

بیشترین تصویرپردازی «آب» مربوط به نسخه‌های خطی است که از سده‌ی (۶ و ۷ هـ. ق) تا عصر تیموریان و صفویان که اوج شکوهمندی و رونق

محبت است که هر که از آن بچشد هرگز معدوم و فانی نگردد.^{۱۴}

با توجه به جنبه‌های اساطیری و مذهبی «آب» در اعتقادات ایرانیان، اهمیت و قداست این عنصر در زندگی انسان و پیوستگی هنر و مذهب در اعصار مختلف تاریخ، نقش «آب» در هنر ایران از آغاز تاریخ تا هنر صفویان از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار است که به چند نمونه‌ی بارز آن اشاره می‌شود.

نخستین آثار به جای مانده از تصویرپردازی «آب» بر روی سفالینه‌های قرن (۱۰ - ۹ پ. م) به کرات مشاهده می‌شود. در نمونه‌های بی‌نظیر سفالینه‌های سیلک، تل باکون، تپه گیان، شوش و بسیاری از نواحی ایران، نقش «آب» محدود به خطوط افقی و یا عمودی موج‌دار در ترکیبی ساده، گاه به شکل آزاد و در پاره‌ای از سفالینه‌ها درون قطعات چهار گوش و یا دایره به تصویر درآمده است. این نقش جهت تزیینات انواع سفالینه‌های آغاز تاریخ هنر ایران همراه با طرح‌های شطرنجی، خورشیدی، ساقه‌های پیچکی، اشکال جانوری و انسانی، از اهمیتی خاص برخوردار است.

نکته‌ی حائز اهمیت، نمونه‌های عالی آب‌خورهایی است که جهت مراسم و

صورت آب

○ هلنا شین دشتگل



یکی از رایج‌ترین عناصر تصویری هنر ایران از دوران کهن و پیش از تاریخ نقش «آب» است. این نقش در تزیینات انواع ظروف زینتی و کاربردی به ویژه سفالینه‌های آغازین تاریخ، ظروف نقره‌ی عهد ساسانی و آثار باشکوه دوران اسلامی چون سفالینه‌های سلجوقی و نسخه‌های خطی و مصور در مکاتب مختلف نقاشی ایران (سده‌ی ۶ هـ. ق تا سده‌ی ۱۱ هـ. ق) در اشکال متنوع، مشاهده می‌شود.

با توجه به باورهای آیینی و اساطیری ایرانیان در روزگار باستان، در مرحله‌ی پرستش قوای طبیعت انگیزه‌ی ترسیم این نقش‌مایه با بازنمایی غیرواقعی آن در قدیمی‌ترین آثار باستانی ایران، نمایان می‌شود.

در بسیاری از منابع اوستایی، متون کهن مذهبی و منابع دوران اسلامی به اهمیت و قداست آب در نزد انسان‌ها، نباتات و جانوران اشاره شده و نقش آن را در خلقت کیهانی مهم می‌دانند. «آب» در اوستایی «آپ» و در پهلوی، آو، یکی از چهار عنصر پیشینیان است که ایرانیان باستان نمی‌بایستی آن را آلوده سازند.^۱ آب دومین آفریده از آفریدگان هفت گانه‌ای است که اورمزد خلق کرده و آفرینش آن پس از آسمان و در مدت ۵۰ روز انجام گرفته است.^۲

در آیین مزدیسنی و زردشتی به واژه‌های زیادی از این ریشه، مانند آبان، آبان یشت و جشن‌های آبانگان، آب ریزان و آناهید برمی‌خوریم.^۳

آبان، نام فرشته‌ی «آب» است که نگهبانی ماه هشتم سال و روز دهم هرماه را به عهده‌ی این فرشته می‌دانسته‌اند.^۴ روز دهم آبان، در جشن «آبانگان» پارسیان به‌ویژه زنان در کنار رود یا دریاه ایزد نگهبان آب را نیایش می‌کنند.^۵

یکی از مهم‌ترین یشت‌های اوستا به نام عنصر «آب» در «آبان یشت» نامیده شده و شامل دو قسمت است: قسمتی در مدح و توصیف «ناهید» فرشته‌ی آب و قسمتی از آن در ذکر پادشاهان و پهلوانانی است که برای ناهید قربانی داده‌اند.^۶

«آبانگاه» نام ایزد موکل بر آب، و نام روز دهم فروردین ماه را گویند. اگر در این روز باران ببارد آبانگاه مردان است و مردان به آب درآیند و اگر نبارد آبانگاه زنان باشد و زنان در آب شوند و این عمل را برخورد شگون دانند.^۷

«آبان نیایش»، در ستایش ایزد ناهید است که بنا بر مضامین اوستایی سرچشمه‌ی مینوی آب‌های جهانی است. خواندن آبان نیایش به ویژه در کنار

جوی و دریا را ثواب می‌دانند.^۸ «آب زوهر» (āb - zōr) یا «نثار به آب»^۹ جزئی از مراسم یسنه (Yasna) است که پس از اتمام مراسم دعاخوانی یسنه، اجرا می‌شود.

ستایش و قداست «آب» نزد ایرانیان باستان تا جایی است

که «در یسنا ۶۵ فقره‌ی ۱۰، اهورامزدا به پیغمبرش گوید: «نخست به آب روی آر و حاجت خویش از آن بخواه‌ای زرتشت». در گشتاسب یشت فقره‌ی ۸ آمده: «آب فرّ ایزدی بخشد به کسی که او را بستاید.»^{۱۰}

در روایات اسلامی و آیات قرآن به نقش «آب» در پیدایش آفرینش و عرش الهی بارها اشاره شده است. «در قرآن مجید ۶۳ بار کلمه‌ی «ماء» به کار رفته و از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است.»^{۱۱}

در اعتقادات اسلامی، «آب حیات» یا «آب زندگانی» چشمه‌ای مفروض در ظلمات است که هر کس از آن بنوشد یا سر و تن در آن بشوید، جوانی از سر گیرد، روزگار شادمان بگذراند و جاودانه زید.

در روایات داستان‌های اسلامی نام سه تن آمده است که در پی آب حیات رفته‌اند.^{۱۲} «آب حیات» در اصطلاح عرفانی، گاهی کنایه از چشمه‌ی عشق و



سفال شوش - ۳۵۰۰ پ.م.

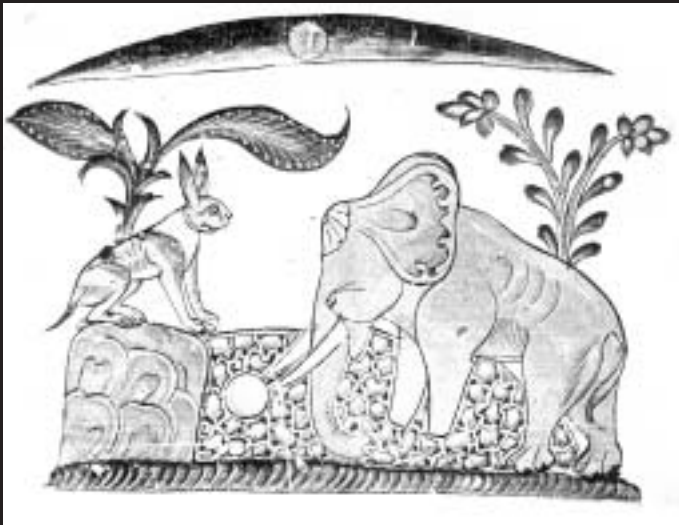


پانوشت‌ها:

- ۱- اوشیدری، جهانگیر. دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۱.
- ۲- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۸.
- ۳- اوشیدری، جهانگیر. دانشنامه مزدیسنا، ص ۵۱.
- ۴- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۷.
- ۵- اوشیدری، جهانگیر. دانشنامه مزدیسنا، ص ۵۲.
- ۶- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، ص ۲۸.
- ۷- اوشیدری، جهانگیر. دانشنامه مزدیسنا، ص ۵۲.
- ۸- نک به: همان مأخذ، ص ۵۲.
- ۹- نک به: تفضلی، احمد. مینوی خرد، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۸۷.
- ۱۰- پورداوود، ابراهیم. فرهنگ ایران باستان، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۶۱.
- ۱۱- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، ص ۲۶.
- ۱۲- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱، ص ۳۶.
- ۱۳- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، ص ۳۰.
- ۱۴- نک به: گیرشمن، رمان. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه‌ی عیسی بهنام. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، صص ۱۸ - ۲۵.

مشاهده‌ی پریان دریایی توسط اسکندر در نسخ متعدد از شاهنامه (گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۱۴۱۰ م، بنیاد گلبنگیان، لیسبون)، دیدار کنیزان رودابه از زال در چشم‌اندازی از طبیعت (شاهنامه، مکتب تبریز، ۷۷۲ ه. ق، ۱۳۷۰ م، کتابخانه‌ی تویقاپوی استانبول)، سیمرغ و زال در نسخه متعدد از شاهنامه، «اسکندر خضر و الیاس» در جستجوی آب حیات، خضر و الیاس به هنگام آب تنی در چشمه‌ی زندگانی، عبور بلقیس از آب (مجالس العشاق حسین میرزا، کتابخانه بادلیان، آکسفورد)، تولد حضرت مسیح اصفهان، قصص الانبیاء اسحاق نیشابوری)، یونس در دهان ماهی (جامع‌التواریخ رشیدالدین)، نمایش صحنه‌های بهشت (معراج‌نامه‌ی احمد موسی، عصر ایلخانی، کتابخانه‌ی توپ قاپوی استانبول) و (معراج‌نامه‌ی هرات، ۸۴۰ ه. ق، کتابخانه‌ی ملی پاریس) از جمله مضامینی است که نقش «آب» به عنوان عنصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی داستان و صحنه‌ای که واقعه در آن روایت شده، به تصویر درآمده است.

نمایش «آب» در مکاتب مختلف نسخه‌های خطی و مصور فارسی با شیوه و پرداختی متناسب با ویژگی‌های آن عصر و متأثر از اسلوب عهد ساسانی و سنت تصویری «چین» از عناصر اصلی منظره‌نگاری نقاشی ایرانی است. نحوه‌ی بازنمایی «آب» در ترکیبی گیرا و با بهره‌گیری دیگر عناصر به کار رفته در صحنه چون صخره‌ها، ابرهای موج، گل‌ها و گیاهان، پیکره‌ها و تأثیر متقابل رنگ‌ها تمام عوامل تصویری صحنه را به هم مرتبط می‌سازد و نمونه‌ی عالی از یک باغ بهشتی را به بیننده القاء می‌کند.



نگارگری اسلامی ایران است، ملاحظه می‌شود. نمایش طبیعت آرمانی پرداخته‌ی ذهن نگارگر با عناصر نمادین و بدیع، نمایان‌گر فضای بهشت گونه‌ای است از آیات و اذکار الهی که پیوسته مورد توجه‌ی هنرمندان قرار می‌گرفت.

تصویر «آب» در ابتدا و همانند سبک ساسانی در نسخه‌های خطی و مصور ادبی، نجومی و پزشکی به شکلی ساده و متناسب با مضمون آن مشاهده می‌شود. در این دوران نقش «آب» کاملاً تزئینی و تخیلی به تصویر درآمده است.

برگ مصور از کلیله و دمنه (بیدپای)، (سال ۷۵۵ هـ. ق، ۱۳۵۴ م) محفوظ در کتابخانه بوریان، آکسفورد، نقش فیل و خرگوشی را میان برکه‌ای آبی‌رنگ پایین کادر و در ترکیبی خطی نشان می‌دهد.

نمایش «آب» در این نگاره به صورت قطعات نامنظم هندسی مصور شده و انعکاس ماه بر آب به طرز زیبایی ترسیم شده است.

نقش سیمرغ زیبایی که دور تا دور آن را آب احاطه کرده و یادآور دریای «فراخکرت» می‌باشد برگ مصوری است از نسخه‌ی منافع‌الحيوان ابن بختیشوع در مکتب تبریز (۱۳۰۷ م) که در کتابخانه‌ی پیرپونت مورگان نیویورک، نگهداری می‌شود. نمایش «آب» به صورت دریای عظیم گرداگرد صحنه و به رنگ آبی به تصویر درآمده و امواج آن باخطوط ساده و موج‌دار ترسیم شده است.

بازنمایی نقش «آب» با توجه به دگرگونی زمانی و تحول در شیوه‌ی اجرا در مکاتب مختلف نقاشی ایران و متناسب با مضامینی چون شاهنامه، روایات اسلامی و قصص قرآنی و به پیروی از آن صحنه‌های حماسی و تاریخی، مجالسی از حکایات عاشقانه چون ملاقات دو دلداده، مجالس بزم و ضیافت شاهان و درباریان، ندیمان و گاه توده‌ی مردم نزدیک آبی روان، چشمه‌ساری

جوشان و یا کنار حوضچه‌ای تزئینی همواره مورد توجه نگارگران نسخه‌های خطی بوده است.

رودها و جوی‌هایی که اغلب مزین به رنگ

نقره‌ای است، میان درختان، گل‌های رنگارنگ، بوته‌زارهای

سبز و زیبا، صخره‌ها و کوه‌ها با اسلوب نقاشی ایرانی و یا حوضچه‌هایی

میان کاشی کاری‌های رنگین بناها همراه با تزئینات عالی درون فضای معماری‌گونه مصور شده است. حوض‌های تزئینی با فواره‌ای آبی میان آن که با ماهی، اردک و یا چندین صدف ترسیم شده به شکل دایره، مربع و یا شمشه همراه تزئینات ظریف مشاهده می‌شود. در اغلب مجالس و در طرفین حوضچه‌ها، آبراهه‌هایی مشهود است. در پاره‌ای از صحنه‌های نسخه‌های خطی، نمایش «آب» به شکل چشمه‌سار، رود و دریا، متناسب با دیگر عناصر مصور شده در صحنه با ترکیبی گیرا، عوامل تشکیل‌دهنده‌ی نگاره را مرتبط می‌سازد.

علاوه بر این در بسیاری از مضامین نسخه‌های خطی و مصور فارسی

«آب» جزئی از صحنه‌ی داستان و محل وقوع آن است.

موضوعاتی چون: حمام کردن شیرین (نخستین دیدار خسرو از شیرین) از خمسه‌ی نظامی، ملاقات شیرین از فرهاد (خمسه نظامی)، به دریا افتادن رستم توسط اکوان دیو در نسخ متعدد از شاهنامه (شاهنامه محمد جوکی، هرات، حدود سال ۱۴۴۰ م، انجمن سلطنتی آسیایی، لندن) رستم در دریا و جنگ با تمساح، سفر دریایی اسکندر و مشاهده‌ی شیر عجیب که از دهانش آب می‌ریزد. (مکتب جلایری، ۷۹۰ هـ. ق، ۱۳۸۸ م، کتابخانه‌ی ملی پاریس)، سفر دریایی کبخسرو،